

راهکارهای ارتقاء و بهینه‌سازی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در ایران

محمد زاهدی اصل^۱، محمدعلی حقدین^۲، حمیده عادلیان راسی^۳

مرضیه قرائت^۴، الهام محمدی^۵، اسماعیل عالی زاد^۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۶

چکیده

مطالعات در ایران نشان می‌دهد که با وجود رتبه مناسب کشور در تولید دانش، از این ظرفیت در راستای رفع نیازهای جامعه و کاهش مشکلات موجود استفاده نمی‌شود. بدین لحاظ پژوهش حاضر باهدف تبیین و موشکافی وضعیت موجود اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی و راهکارهای ارتقاء این اثربخشی انجام گردید. این پژوهش به روش کیفی انجام شده و داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران گردآوری شد. در مجموع محتوای ۱۰ مصاحبه فردی و یک مصاحبه گروهی مورد تحلیل مضمون قرار گرفت. روش نمونه‌گیری مصاحبه‌شوندگان، هدفمند بوده است. یافته‌های مطالعه حاضر، طبق نظرات صاحب‌نظران نشان می‌دهد با وجود برخی مصادیق ارزشمند، اثربخشی پژوهش‌ها با سطح قابل‌انتظار فاصله دارد که وجود برخی از عوامل مربوط به ارکان نظام آموزش عالی و برخی دیگر از عوامل مربوط به ساختارها و سازمان‌های خدمات اجتماعی سبب اثربخشی پایین پژوهش‌ها شده است. لذا شایسته است که سیاست‌گذاران و مدیران و سایر مسئولان هر دو بخش جهت رفع یا کاهش مسائل اقدام نمایند. در این راستا توصیه‌های سیاستی مربوطه ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، اثربخشی، ارتقاء، بهینه‌سازی، ایران

-
- ۱- استاد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). zahediasl@atu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. haghadin@gmail.com
۳- استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. addelyan@atu.ac.ir
۴- استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. gharaat95@gmail.com
۵- استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. e.mohammadi1986@gmail.com
۶- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. i.aalizad@gmail.com

بیان مسئله

پژوهش‌های مددکاری اجتماعی مبتنی بر مسائل و واقعیت‌های جامعه هستند و استفاده از نتایج آن‌ها در تنظیم سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها، منجر به افزایش کیفیت و اثرگذاری این اسناد می‌شود. در مدل‌های نوین حکمرانی که اداره امور به دست کارشناسان هر حوزه سپرده می‌شود (نه صرفاً متخصصان مدیریت)، نقش مددکاران اجتماعی و مدیران خدمات اجتماعی برای اداره امور اجتماعی ارزشمند و ضروری است. با تأسیس رشته کارشناسی ارشد مدیریت خدمات اجتماعی در گروه مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دانش مدیریت و سیاست‌گذاری از طریق دروس مصوب از جمله سیاست‌گذاری در خدمات اجتماعی، برنامه‌ریزی در خدمات اجتماعی، حقوق اداری، تئوری‌های پیشرفته در مدیریت، روانشناسی سازمانی و... بیش‌ازپیش به دانشجویان آموزش داده می‌شود. با وجود چنین ظرفیت‌هایی بسیاری از قوانین و دستورالعمل‌ها مبتنی بر یافته‌های علمی طراحی و بازنگری نمی‌شوند و این موضوع موجب کاهش اثربخشی مداخلات شده است. با توجه به تنوع و تغییرات مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ضروری است مداخلات، مبتنی بر شواهد علمی طراحی و اجرا شوند و اثربخشی آن‌ها نیز به صورت علمی ارزیابی شود تا در صورت لزوم بازطراحی انجام شود. اهمیت این موضوع موجب شکل‌گیری این پژوهش شده است تا از طریق آن وضعیت اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی و راهکارهای ارتقاء کمی و کیفی آن واکاوی شود.

مبانی نظری

"مسئله" کانون پژوهش بوده و چیزی فراتر از یک یا چند سؤال است (مرتون، ۱۹۵۹: ۱۸). مسئله به مشکلات و مسائلی اطلاق می‌شود که به دلایلی برای پژوهشگر حائز اهمیت می‌شوند و سؤالات درباره آن پرسیده می‌شوند. دیلون مسائل علمی را به سه دسته تقسیم

می‌کند. مسائل موجود که آشکار بوده، و محقق آن‌ها را شناسایی می‌کند، مسائل تازه پدید آمده که ضمنی بوده و محقق می‌بایست آن‌ها را کشف کند و مسائل بالقوه که هنوز شکل نگرفته‌اند (Dillon, 2011: 104).

در مورد مسئله یابی سه سؤال کلی مطرح است: ۱. چگونه برخی مسائل نسبت به برخی دیگر کانونی‌تر قلمداد می‌شوند؟ ۲. دانشمند در میان انبوه مسائل، چگونه مسئله خود را می‌یابد؟ ۳. چگونه شکست یک برنامه پژوهشی به انتخاب مسئله جدید می‌انجامد؟ (زاکرم، ۱۹۸۷: ۷۵). به نظر زاکرم سه عامل تعیین‌کننده و جهت‌دهنده مسائل علمی می‌باشد:

الف) شرایط و عوامل علمی: اینکه دانشمند از چه مشرب‌های تئوریک سیراب شده باشد.

ب) شرایط و عوامل فراعلمی: نیازهای اقتصادی و نظامی خاص و ...

ج) شرایط اجتماعی: وضعیت جامعه و رقابت‌هایی که بین پژوهشگران وجود دارد. مورد سوم شاید در بسیاری از علوم تأثیر کمتری را بر مسئله یابی پژوهشگران داشته باشد. اما در علوم انسانی و به‌خصوص مددکاری اجتماعی شرایط جامعه تأثیر زیادی بر شکل‌گیری پژوهش‌ها دارد. در حرفه مددکاری اجتماعی مسئله اجتماعی به‌عنوان واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره افراد و شبکه ارتباطی آن‌ها در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان خود را نمایان می‌سازد، یعنی همان‌جایی که مددکار اجتماعی به‌عنوان فرد حرفه‌ای مداخله می‌نماید. (کامپتون و گالاوی، ۱۳۸۶)

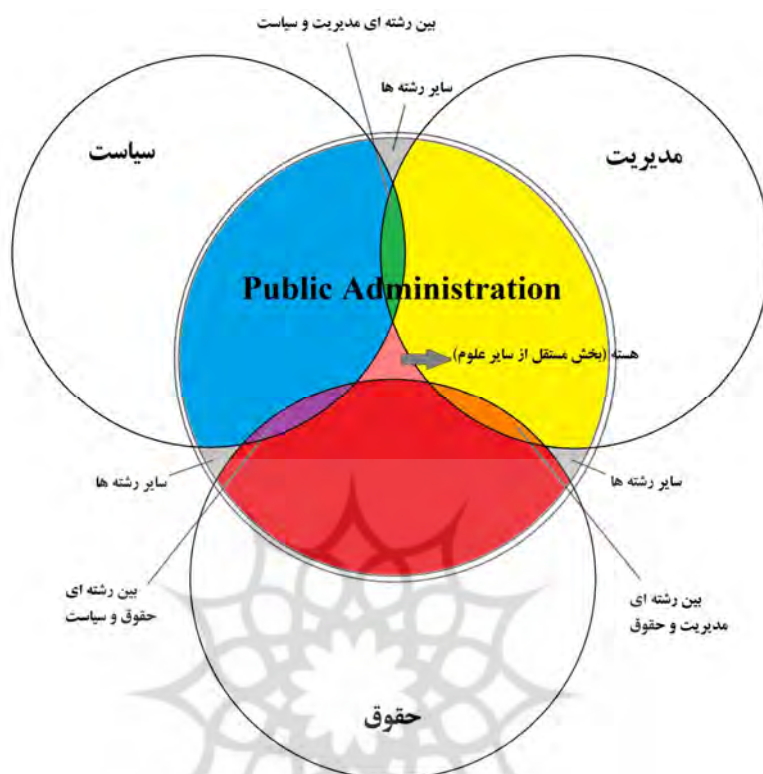
بنابراین آموزش مددکاران اجتماعی و مدیران خدمات اجتماعی نیز دارای اهمیت بالایی است. چه از حیث ارتقاء پژوهش‌ها و چه از این حیث که اگر اجرای نتیجه یک پژوهش به‌درستی انجام نشود، پیامدهای مورد انتظار را به همراه نخواهد داشت. لذا "در صورتی که مددکاران اجتماعی تحت آموزش‌هایی جهت آماده شدن برای تصدی سمت‌های مدیریتی قرار نگیرند، مدیرانی از سایر بخش‌های شامل مدیریت خدمات

درمانی، مدیریت بازرگانی عمومی و... بکار گرفته خواهند شد که در این صورت ارزش‌ها و مهارت‌های حرفه نادیده گرفته خواهد شد" (Wuenschel, 2006).

در پارادایم جدید حکمرانی^۱ شایسته که به معنی اداره خردمندانه امور است و از ابتدای قرن بیست و یکم در حال جایگزینی پارادایم دولت^۲ است تعریف جدیدی از مدیریت^۳ در امور اجتماعی مطرح شده است که در آن، صرف داشتن دانش مدیریت برای اداره خدمات اجتماعی کافی نمی‌باشد، و به مدیرانی^۴ نیاز است که با بهره‌مندی از مهارت و تخصص در حوزه موردنظر، سه توانایی مدیریت، حقوق و سیاست‌گذاری را نیز داشته باشند. در واقع صرف داشتن دانش و مهارت مدیریت که در دوره‌های متأخر مهم‌ترین ابزار برای اداره امور بوده است کافی دانسته نمی‌شود. ینگ^۵ تعریف جدید مدیریت خدمات اجتماعی را در مدل خود ارائه داده است.

در این مدل نقش‌آفرینی در اداره امور اجتماعی به کسانی سپرده می‌شود که از نظر دانشی از جنس علوم اجتماعی باشند و از طریق دانش بین‌رشته‌ای و اقدام پژوهشی عمل کنند. در پارادایم جدید حکمرانی، به جای متخصصان مدیریت، این متخصصان امور اجتماعی هستند که باید با ارتقاء دانش سیاست‌گذاری، مدیریت و حقوق خود در امور اجرایی و سیاست‌گذاری اجتماعی نقش ایفا کنند. در واقع به جای مدیریت از بالا به پایین، مدیریت امور اجتماعی فرایندی است که از عرصه عمومی و با مشارکت همه ذینفعان شامل مردم، نهادهای مدنی و کارشناسان شکل می‌گیرد و دولت نیز به‌عنوان یکی از اضلاع در کنار سایر ذینفعان نقش‌آفرینی می‌کند.

-
1. Governance
 2. Government
 3. Administration
 4. Administrators
 5. Yang



نمودار ۱- مدل ینگ در تعریف مفهوم و دانش موردنیاز مدیریت خدمات اجتماعی و خدمات عمومی (Yang, 2018)

پرلمن و دیگر همکاران نیز مددکاری اجتماعی را ابزاری برای حل مشکلات اجتماعی دانسته‌اند.

در حرفه مددکاری اجتماعی مسئله اجتماعی به‌عنوان واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره افراد و شبکه ارتباطی آن‌ها در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان خود را نمایان می‌سازد، یعنی همان جایی که مددکار اجتماعی به‌عنوان فرد حرفه‌ای مداخله می‌نماید. (کامپتون و گالاوی، ۱۳۸۶)

اهداف و پرسش‌های تحقیق

موضوع مورد مطالعه این تحقیق این است که پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در چه عرصه‌هایی توانسته‌اند مؤثر واقع شده و کیفیت زندگی گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی را ارتقاء ببخشند. از طرف دیگر در سایر حوزه‌ها موانع عدم توفیق در اثربخشی چه بوده است و چگونه می‌توان این موانع را برطرف نمود یا از طریق راهکارهای دیگر پژوهش‌ها را تأثیرگذارتر نمود. در واقع هدف این تحقیق شناسایی وضع موجود اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در کشور است و ارائه راهکارهایی برای رسیدن به وضع مطلوب است. لذا سؤالات اصلی این پژوهش به شرح ذیل می‌باشند.

- اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در چه وضعیتی است و مصداق‌های آن کدام‌اند؟

- چگونه می‌توان اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی را افزایش داد؟
پرسش‌های فرعی پژوهش که نشأت گرفته از سؤالات اصلی هستند شامل موارد ذیل می‌باشند:

اثربخشی پژوهش‌ها بیشتر در چه سطحی (سیاست‌های کلان، قوانین یا دستورالعمل‌های اجرایی) بوده است؟

پژوهش‌ها بیشتر از طریق ارگان‌ها و یا از طریق توانمندسازی مراجعان و مددکاران اجتماعی مؤثر واقع شده است؟

موانع اثربخشی پژوهش‌ها کدام‌اند؟ (معطوف به کنشگران عرصه عمومی شامل مردم، مددکاران اجتماعی و از سوی دیگر سازمان‌های دولتی ذی‌ربط و...)

چه راهکاری برای افزایش اثربخش پژوهش‌ها وجود دارد؟ (در نظام آموزش عالی، سازمان‌های متولی و...)

روش تحقیق

با توجه به نوین بودن پژوهش به‌خصوص در ایران، تصمیم گرفته شد که در این تحقیق از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با تأکید بر رویکرد اکتشافی استفاده شود. علت اخذ این تصمیم این بود که هدف تحقیق شناسایی چارچوب کلی و ایده‌های اولیه و عمیق برای بسط الگوهای نظری برای پژوهش‌های کیفی و تجربی آتی بر پایه یافته‌های این پژوهش است. با توجه به زمان پیش‌بینی شده برای انجام پژوهش و منابع مالی و انسانی قابل‌دسترس، برای انجام مصاحبه‌ها با ۱۲ نفر از اعضای هیئت‌علمی که از لیست اعضای هیئت‌علمی گروه‌های مددکاری اجتماعی انتخاب شدند برنامه‌ریزی شد. قبل از اجرای مصاحبه، دعوت‌نامه‌ای برای افراد ارسال شد و پیرامون نحوه و زمان برگزاری مصاحبه با ایشان هماهنگی به عمل آمد.

تقریباً نیمی از مصاحبه‌شوندگان دارای سابقه مسئولیت‌های اجرایی بوده‌اند، اما در زمان مصاحبه همگی فاقد مسئولیت‌های اجرایی بوده‌اند. مصاحبه‌شوندگان از تمامی سه دانشگاه دارای رشته کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی انتخاب شدند و با توجه به توزیع مناسب مصاحبه‌شوندگان در دانشگاه‌های مختلف، شیوه‌نامه‌ای برای انجام مصاحبه‌ها تدوین شد. در ابتدای مصاحبه اهداف کلی پژوهش ذکر شد و تأکید شد که مصاحبه صرفاً برای مقاصد پژوهشی انجام می‌شود و هویت افراد تحت هیچ شرایطی در گزارش‌های تحقیق و مقالات منتشر نخواهد شد. برای ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان اجازه گرفته شد و ۱۰ نفر از ایشان موافقت خود را اعلام کردند. سؤالاتی به‌عنوان سؤالات اصلی مصاحبه در نظر گرفته شد و با توجه به نیمه ساختاریافته بودن مصاحبه، بر طبق پاسخ‌های دریافت شده حین مصاحبه و یا به‌منظور روشن‌تر شدن برخی مباحث سؤالات دیگر نیز امکان طرح داشت. در انتهای هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد که اگر مطلب دیگری دارند اضافه کنند و همچنین پس از مصاحبه نیز اگر موضوعی به نظرشان رسید از طریق راه‌های ارتباطی اطلاع دهند.

پس از انجام مصاحبه‌ها متن آن‌ها به دقت پیاده‌سازی شد و به همراه یادداشت‌های دو مورد مصاحبه که در آن اجازه ضبط صدا داده نشده بود برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون که یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل در تحقیقات کیفی است، استفاده شد. در این روش، با مطالعه دقیق این متون، در ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه شده تمامی ایده‌ها و نظرات مستقل در قالب مفاهیم و مضامین فرعی شناسایی شد و پس از آن به هر کدام یک کد اختصاص داده شد. این عمل برای همه مصاحبه‌ها انجام شد و در صورت ظهور مضامین مشابه در متن یک مصاحبه جدید، از همان کدهای مضامین مشابه در مصاحبه‌های قبلی به عنوان نشانگر آنها استفاده شد. سپس بر اساس تمامی مضامین فرعی شناسایی شده در کل پژوهش دسته‌بندی کلی‌تری انجام شد و مضامین اصلی شناسایی شد. در ادامه نتایج به دست آمده از فرایند مذکور ارائه می‌شود.

یافته‌های تحقیق

عناوین مضامین استخراج شده از یافته‌های این پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. مصادیق وجود اثربخشی، سبب‌شناسی اثربخشی پایین و راهکارهای افزایش اثربخشی هر کدام دارای زیرمضمون‌هایی هستند که در جدول ملاحظه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱- مضامین استخراج‌شده از نظرات خبرگان

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان	مصادق‌های اثربخشی	اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی	
خانه‌های امن			
تعداد مددکاران اجتماعی بیمارستانی			
دستورالعمل‌های توانمندسازی سازمان بهزیستی			
قائم به فرد بودن بسیاری از اثربخشی‌ها	سبب شناسی اثربخشی پایین		
تدوین و اجرای قوانین توسط افراد غیرعلمی			
محافظه‌کاری مدیران			
بی‌اعتمادی میان پژوهشگران و مجریان			
ویژگی‌های ماهوی علوم اجتماعی			
کلی‌گویی پژوهش‌ها			
عدم توجه پژوهش‌ها به خود حرفه			
تصدی سمت‌های اجرایی مددکاری اجتماعی توسط افراد غیرمتناسب با این حرفه تخصصی			
توجه مراکز علمی به کمیت به‌جای کیفیت			
فقدان رابطه سازمان‌یافته و پایدار در حوزه پژوهش‌ها و پژوهشگران مددکاری اجتماعی			
تفاوت دیدگاه سیاست‌گذاران و پژوهش‌گران			
قالب‌ها و محدودیت‌های دانشگاهی			
ملاحظات غیرعلمی			
نظام مددکاری اجتماعی			راهکارهای ارتقاء اثربخشی
تغییر سازوکار ارزشیابی و ارتقاء اعضای هیئت علمی			
ترجمان دانش			
افزایش ارتباط مراکز علمی و سازمان‌های قانون‌گذار و متولی آموزش اقدام پژوهی			
ترویج پژوهش‌های تیمی			
بسترسازی نقد علمی			
برنامه‌ریزی پژوهشی			

وضعیت فعلی تأثیرگذاری پژوهش‌های مددکاری اجتماعی

خبرگان مددکاری اجتماعی پیشنهاد‌های سیاستی مربوط به مسائل اجتماعی را از طریق گزارش‌های علمی، نشست‌ها، مقالات و روزنامه‌ها منتشر می‌کنند اما تاکنون میزان اثربخشی نظرات فعالان و صاحب‌نظران مددکاری اجتماعی که برگرفته از پژوهش‌های مددکاری اجتماعی است نتوانسته است موجبات رضایتمندی آن‌ها را فراهم کند. دلیل این امر وضعیتی است که در عمل در جامعه در ارتباط با گروه‌های آسیب‌پذیر مشاهده می‌شود. باز توزیع نامناسب منابع به اقشار مختلف و همچنین نبود دسترسی برابر به خدمات اجتماعی موجب شده است آن‌ها نتوانند به حقوق خود دست یابند. همچنین بسیاری از مشکلات گروه‌های مختلف نشأت گرفته از قوانین ناکارآمد و یا نظارت نامناسب است که منجر به مسائلی مانند افزایش جرم و آسیب در جامعه، عدم دریافت خدمات مناسب از سوی اقشار آسیب‌پذیر مانند سالمندان و معلولان، انواع خشونت از جمله خشونت‌های خانگی علیه کودکان و زنان، مشکلات زیست‌محیطی، کاهش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن از جمله اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی شده است. یکی از کارشناسان این مسئله را این‌گونه توضیح داده است:

«اینکه مددکاران اجتماعی وارد عرصه سیاست‌گذاری شدند بله شدند اما چه مقدار نقطه نظراتشان مورد توجه واقع شد، چه قدر نکته و قواعد اساسی که باید اجرایی شود در سیاست‌گذاری‌ها و... بهش توجه شد؟ در واقع اثرگذاری خیلی کم بوده است». متأسفانه مجریان حوزه خدمات اجتماعی عمدتاً بدون دریافت نظرات صاحب‌نظران از تجربیات سایر کشورها الگوبرداری می‌کنند. حال آن‌که در حوزه خدمات اجتماعی امری دشوار بوده و بدون استفاده از دانش علمی صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران نمی‌توان صرفاً از سیاست‌گذاری کشورهای موفق الگوبرداری کرد.

«به‌رغم انجام پژوهش‌های کاملاً بومی و مبتنی بر واقعیت‌های جامعه امروز، حاصل پژوهش‌ها نه دست‌مایه‌های آموزشی شده و نه پیوندی به اجرا خورده و نه حتی کیفیت سازمان‌های مرتبطی مانند سازمان بهزیستی را ارتقا بخشیده است».

برخی از مصداق‌های اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی

درک ضرورت اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در برخی حوزه‌ها موجب شده است که در یک دهه اخیر شاهد افزایش تأثیرگذاری پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی باشیم. همچنین حتی اگر پژوهش‌ها نتوانسته باشند به‌طور مستقیم بر سیاست‌ها اثرگذار باشند، همین که به واقعیت‌های روز جامعه می‌پردازند انتشار آن‌ها می‌تواند به‌طور غیرمستقیم اثرگذار باشند. نظر یکی از کارشناسان در این زمینه عبارت است از:

«دانشجوی ما یک کار کیفی انجام داده که یک بخشش مصاحبه با صاحب‌نظران و کسانی که در درمان اعتیاد بودند و برخی کسانی که تجربه درمان دارند. اون چیزی که داره از رسانه‌ها اعلام میشه که این درمان موفقیت‌آمیز است اما پژوهش ما داره عکس این را نشان می‌دهد. خب من وقتی اینو منتشر می‌کنم یا مصاحبه می‌کنم خب قطعاً نتیجه‌اش هم به نفع گروه‌ها است.»

در ادامه مصداق‌هایی از اثرگذاری پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در جامعه ارائه شده است.

دستورالعمل‌های توانمندسازی سازمان بهزیستی:

«ارتباط بین سیاست‌گذاری و پژوهش‌ها یک دهه است که شروع شده در دهه‌های قبلی نبوده یا اگر بوده خیلی کم‌رنگ بوده ولی الآن این در سازمان بهزیستی هست ابروج‌هایی که در توانمندسازی هست و یا دستورالعمل‌هایی که نوشته میشه مبتنی بر پژوهش‌هاست.»

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: این قانون ابتدا در سال ۱۳۸۲ تصویب شد که با وجود مزایا نقاط ضعف مهمی داشت. پی از کش و قوس‌های فراوان نهایتاً در سال ۱۳۹۹ قانون جدید تصویب و ابلاغ شد که در آن از ظرفیت‌های سازمانی بیشتری استفاده شده

است و بسیاری از مسائل حقوق جدید در آن لحاظ شده است و ابزار مناسب‌تری را در اختیار مددکاران اجتماعی قرار داده است.

خانه‌های امن: خانه‌های امن را می‌توان نمونه‌ای از خدمات به گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی دانست که بر پایه پژوهش‌های مددکاری اجتماعی ایجاد شده است. اظهارات یکی از کارشناسان در این زمینه ارائه شده است:

«تعدادی از پژوهش‌های مددکاری اجتماعی توانسته‌اند چارچوب‌های مناسبی را برای ارائه خدمات مددکاری اجتماعی به گروه‌های هدف طراحی و ارائه نمایند. دستاوردهای تعدادی از این مطالعات مبنای ارائه خدمات حرفه‌ای مددکاری اجتماعی در سازمان‌های مختلف شده‌اند. به‌عنوان مثال خانه‌های امن زنان و دخترانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند، بر اساس یک مطالعه مددکاری اجتماعی طراحی شده‌اند.»

افزایش تعداد مددکاران اجتماعی بیمارستانی: تبیین ضرورت حضور و اثربخشی مددکاران اجتماعی در کاهش مشکلات اجتماعی که توسط پژوهش‌ها و خبرگان انجام شده است، موجب افزایش به‌کارگیری مددکاران اجتماعی در برخی حوزه‌ها از جمله بالینی و آسیب‌های اجتماعی شده است.

«الآن طبق قانونی که درج شده و مبتنی بر پژوهش بوده است، در بیمارستان‌های جنرال برای هر ۸۰ تخت یک مددکار (اجتماعی) داریم. در بیمارستان‌های روانمون به ازای هر ۳۷ تخت یک مددکار اجتماعی داریم و در بیمارستان سوختگی‌مون به ازای هر ۵۰ تخت یک مددکار اجتماعی.»

قائم به فرد بودن بسیاری از مصادیق اثربخشی

از آنجایی که نهادسازی قانونی برای مددکاری اجتماعی انجام نشده است، بسیاری از پیشرفت‌ها و اثرگذاری‌ها به‌صورت موردی و بر اساس نظر شخصی یک مدیر یا مسئول صورت گرفته است.

«قائم به فرد یعنی اگر کسی یک مسئولیتی بگیرد ممکنه بخاطر دغدغه مند بودنش بیاد یک کاری را بکنه و ولی آگه یک شخص دیگری توی اون جایگاه قرار بگیره کاری نکنه هم بازخواست نمیشه».

سبب شناسی اثربخشی پایین پژوهش‌های مددکاری اجتماعی

تدوین قوانین توسط افراد غیر علمی

یکی از راه‌های اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، انعکاس آن‌ها در سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها است. در حال حاضر با وجود ضرورت نقش‌آفرینی مددکاران اجتماعی در تعیین سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی، این افراد در ایجاد این اسناد نقشی ندارند و تصمیم‌گیری توسط افرادی انجام می‌شود که دارای تخصص لازم و نگاه جامع برای تدوین قوانین نمی‌باشند. یکی از مصاحبه‌شوندگان جایگاه فعلی مددکاران اجتماعی را این‌گونه توصیف کرده است:

«مشارکت ما بیشتر به بعد از اینکه قوانین تدوین می‌شود مربوط می‌شود. نه اینکه متخصصین مددکاری اجتماعی نخواهند ورود پیدا کنند اما از سوی کسانی که قانون‌گذار هستند خیلی به بازی گرفته نمی‌شود سیاست‌ها و قانون‌ها توسط کسانی که خیلی صاحب‌نظر نیستند تدوین و نگارش می‌شود».

بنابراین می‌توان گفت حضور کمرنگ متخصصان مددکاری اجتماعی در مسئولیت‌های قانون‌گذاری و اجرایی موجب شده است امکان دفاع از یافته‌ها و نتایج علمی این حوزه وجود نداشته باشد. این مسائل موجب شده است تا ظرفیت‌های انسانی ارزشمندی که در مددکاری اجتماعی وجود دارد به فعالیت‌های دانشگاهی خود بسنده نماید. انعکاس ناامیدی از اثربخشی پژوهش در اظهارات یکی از کارشناسان به وضوح مشخص است.

«پژوهش جایگاهش توی کشور ما در حوزه علوم انسانی اینطوره که خیلی به نتایج کاری که پژوهشگر انجام میدن توجه ای نمیشه و فقط انجام میشه پژوهش برای اینکه

من یک رزومه‌ای داشته باشم برای اینکه یک بودجه پژوهشی در سازمان‌ها هست اون هزینه بشه و کتابخانه‌ها پر بشه و هیچ اهمیتی وجود نداره برای اینکار». یکی دیگر از کارشناسان در باب بی‌اعتنایی به پژوهش‌های دانشگاهی گله‌مندی خود را این گونه اظهار داشته است:

«موضوعی که دغدغه مهم یک سازمان بود را دانشجوی ما دنبال کرد و پژوهش انجام شد، موقع دفاع که دانشجو دعوت کرد از اون سازمان که آقا این تحقیق همان اولویت شما بوده و ما به شکلی در ساحت علمی انجامش دادیم و شما بیاید ببینید که حتی حاضر نشدن زحمت بکشند به جلسه دفاع دانشجو بیانند. وقتی که یک همچین نگاهی باشد خب واقعاً خیلی متأثر می‌شیم».

محافظه‌کاری مدیران

اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه معمولاً در دسر کمتری برای مدیران دارد. اجرای هر طرحی موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را به همراه خواهد داشت. فشارهای رسانه‌ای و نگرانی از دست دادن سمت مدیران محافظه‌کار را به سمت کاهش کنشگری سوق می‌دهد. از طرف دیگر شیوه نظارت بر مدیران اجرایی به گونه‌ای است که اگر فردی خدمات مثبت تأثیرگذاری انجام دهد و حین آن یک تخلف جزئی داشته باشد، بابت آن بازخواست می‌گردد. یکی از کارشناسان تجربه خود در این زمینه را این گونه بیان کرده است:

«یک سری کارها انجام دادیم، مصاحبه کردیم و در نهایت یک سری دستورالعمل‌هایی نوشتیم. کسانی که در سطوح عالی مدیریتی بودن و خودشون خواسته بودند که ما این‌ها را بنویسیم، در ابلاغ آن تعلل می‌کردند و زمانی ابلاغش کردن که خودشون داشتند می‌رفتند که در آماج حملات دیگران قرار نگیرند».

بی‌اعتمادی میان پژوهشگران و مجریان

بی‌اعتمادی مزمن و برطرف نشده‌ای میان حوزه‌های دانشگاهی و اجرایی ایجاد شده است که برای جامعه عواقب خوبی ندارد و ضمن عدم ایجاد هم‌افزایی مورد انتظار، منجر به بحران هویت و مشروعیت در هر دو حوزه خواهد شد. یکی از کارشناسان اظهار می‌کند:

«من ۵۰ درصدش را بی‌اعتمادی میدانم یعنی الآن در اجرا دانشگاهی‌ها را قبول ندارند بعد دانشگاهی‌ها هم افرادی که توی اجرا هستند را قبول ندارند».

یکی دیگر از کارشناسان، سیاست‌گذاران را متهم به برتر دانستن خود متهم می‌کند: «ارتباط محکم و ثمربخشی میان سیاست‌گذاری‌ها و پژوهش‌های مددکاری اجتماعی وجود ندارد زیرا سیاست‌گذاران اجتماعی از نتایج و یافته‌های مددکاران اجتماعی مغفول مانده‌اند اما نمی‌توان پنداشت که در صورت آگاهی از این یافته‌ها نیز در نگاه خود تغییری دهند زیرا دچار توهم «خود برتری» اند».

نبود بستر نقد

وجود بستر نقد چه نقد پژوهش‌ها و چه نقد سیاست‌ها و قوانین موجب ارتباط بیشتر پژوهش‌ها با حوزه‌های سیاستی شده و محک نقد، دقت پژوهشگران را نیز در تدوین گزارش‌های خود افزایش می‌دهد.

«وقتی سیاست‌گذاری‌های ما با نگاه‌های خاصی و ایده‌های خاصی صورت می‌گیره و خیلی وقت‌ها هم قابل نقد نیست و اجازه نقد‌پذیری هم حتی داده نمی‌شود آن موقع هست که پژوهش‌ها مسیر خودش را طی می‌کند و سیاست‌گذاری هم مسیر خودش را طی می‌کند انگار هیچ‌وقت هم نمی‌خواهند به یکدیگر برسند».

ویژگی‌های ماهوی علوم اجتماعی

یکی از ویژگی‌های مسائل اجتماعی این است که ارزیابی اثربخشی و داوری در مورد آن‌ها دشوار است. لذا بسیاری از مدیران و مسئولین ممکن است نتوانند تشخیص بدهند که موضوعی غیرعلمی و غیرتخصصی نادرست است.

«مثلاً فلان کارخانه دوغش روی کیفیت فروشش تأثیر می‌ذاره و بازخواست میشه مدیر فروشش ولی مثلاً الآن من می‌شم رئیس یک سازمان اجتماعی کشور ممکنه زندگی خیلی از گروه‌های جامعه هدف را خراب‌تر کنم ولی هیچ وقت مورد بازخواست قرار نمی‌گیرم».

موضوع دیگر به زودبازده نبودن مداخلات در امور اجتماعی مربوط می‌شود که منجر به اهمیت کمتر آن شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان این موضع را این گونه توضیح داده است:

«کلاً مسائل اجتماعی، فرهنگی مثل بخش صنعت زودبازده نیست به‌عنوان مثال من بیست سال قبل این کارو توی سازمان زندان‌ها انجام دادم و الآن اومده توی قانون ولی الانم که توی قانون هست خیلی اهمیتی نداره درحالی‌که خیلی موضوع مهمیه».

کلی‌گویی پژوهش‌ها

هرچند سبک نگارش یک پژوهش با قالب یک طرح سیاستی یا اجرایی تفاوت‌های زیادی دارد، با این در پژوهش‌هایی که از نوع کاربردی هستند می‌توان از برخی کلی‌گویی‌ها کاست و به ارائه راهکارها و پیشنهادهای ملموس‌تر پرداخت. در ادامه نظرات چند تن از کارشناسان در این زمینه ارائه شده است.

«این مبتلابه همه پژوهش‌های ما است که کل‌گویی می‌کنند شاید منتهی به نوشتن قوانین کلی بشن اما برای نوشتن دستورالعمل اصلاً مناسب نیستند چون نکات ریزی می‌خواهد و خیلی فرایندی هست».

«پیشنهادهایی که میدیم خیلی کلیه، کلیشه‌ای و به کارشون نمیاد و خب حق دارند و فاصله می‌گیرند از ما مگر پژوهش‌هایی که از روش‌های مداخله استفاده می‌کنند و اگر اصول پژوهش رو رعایت کرده باشن شاید تأثیر گزار باشه ولی اینکه چقد ازش استفاده بشه باز هم یک مسئله است».

«منی که لیبل دانشگاهی می‌خورم باید راهی پیدا کنم برای گفتگو که به نتیجه میانی برسیم نه اینکه من پژوهشی کنم برای شهرداری که اصلاً به هیچ کاری نیاید و تحلیل‌های فضایی و ایده آل و پیشنهاد کلی باشه».

در این زمینه می‌توان از پژوهش‌های کاربردی به‌خصوص در حرفه مددکاری اجتماعی انتظار داشت که سبک نگارش را به سمت افزایش جزئیات و بیانات ملموس‌تر سوق دهند.

عدم توجه پژوهش‌ها به خود حرفه

عمل‌گرایی حرفه مددکاری اجتماعی ایجاب می‌کند پژوهش‌هایی در جهت نقد وضعیت موجود حرفه در ایران صورت پذیرد تا نقاط قوت و چالش‌ها به همراه سبب شناسی آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. نگاه به "خود" موجب پیشرفت و توسعه درون‌زا در حرفه خواهد شد که دستاورد مهم آن اثربخشی بیشتر حرفه در راستای رفع مشکلات گروه‌های آسیب‌پذیر خواهد بود. دو نمونه از نظرات کارشناسان در این زمینه عبارت است از:

«اگر (پژوهش) نقص‌هایی که در حوزه مددکاری وجود داره را به اطلاع برسونه خیلی میتونه مفید باشه. کیفیت فعالیت‌هایی که در حوزه مددکاری انجام میشه بهتر خواهد شد».

«کمتر راجع به خود زشته مددکاری اجتماعی مطالعه شده، دغدغه‌های نظری و عملیش یا مطالعه درباره کارورزی هاش باشه».

تصدی سمت‌های اجرایی مددکاری اجتماعی توسط افراد غیرمتناسب با این

حرفه تخصصی

همان‌طور که در بخش مصداق‌ها تشریح شد، مواردی از اثربخشی پژوهش‌ها بر سیاست‌گذاری‌ها و تدوین قوانین وجود داشته است. فقدان مددکاران اجتماعی متخصص

با توجه به حجم انبوه نیاز به حرفه و عدم توجه سازمان‌ها به اهمیت و تفاوت مددکاران اجتماعی حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای منجر شده است که در برخی زمینه‌ها که قوانین و مقررات مناسبی هم وضع شده است، نارسایی‌های حوزه اجرایی موجب کاهش اثربخشی لازم شده و قانون‌گذاران را هم از استفاده بیشتر از ظرفیت‌های حرفه مددکاری اجتماعی مأیوس نماید.

«تا قبل این هرکس در کلانتری بود پرونده زده و به قوه قضاییه ارسال می‌شد اما آمدند مددکاران اجتماعی را در اینجا وارد کردند و خب آمار کاهش پیدا کرد و اثرگذار بود ولی به‌طور کل، کمیت فدای قضایای شکلی شد یعنی همین مددکاران اجتماعی با چارچوب‌های مددکاری خیلی آشنایی نداشتند».

توجه مراکز علمی به کمیت به‌جای کیفیت

پذیرش بالای دانشجویان و توسعه کم‌گروه‌های تخصصی مددکاری اجتماعی و فقدان استخدام اساتید جدید و توانا که با تعداد زیاد دانشجویان تناسب ندارد در کنار قبول مسئولیت‌های غیرعلمی توسط بسیاری از اساتید و درگیر شدن در مسئولیت‌های اجرایی موجب می‌شود اعضای هیئت علمی زمان کمی برای پژوهش و مطالعه داشته باشند دهند. حال آنکه لازم است پژوهشگران زمان‌های نسبتاً زیادی را به ارتباط با جامعه هدف و تفکر در باب مشکلات آن‌ها اختصاص دهند و در پژوهش‌ها زمان کافی را برای درگیر شدن در پروژه‌ها داشته باشند. محول کردن کل فرایند پژوهش به دانشجویانی که ممکن است تجربه و تخصص لازم را برای مدیریت و پیشبرد پروژه نداشته باشند می‌تواند فرایند پژوهش از مسئله‌یابی تا نگارش را با مشکل مواجه کند. این چالش موجب شده است علاوه بر کاهش کیفیت برخی پژوهش‌ها، پژوهشگران نیز از مسئله‌شناسی بازمانند.

«نقدی که به دانشگاه وارد می‌باشد پذیرش بی‌رویه دانشجویان است و اینکه استادان

دانشجوهای زیادی دارد».

همچنین افزایش تعداد دانشجویان ورودی و کاهش متقاضیان ورود به دانشگاه موجب شده است دانشجویانی که دغدغه کمتری به رشته دارند نیز پذیرش شده و بدتر از آن

افرادی که با اهدافی غیر از علم‌آموزی مانند ترفیع شغلی، افزایش پایه حقوق و... متقاضی هستند نیز در دانشگاه افزایش یابد. و اساتید هم ملزم هستند برای آموزش و پژوهش‌های اجباری همه دانشجویان وقت بگذارند. انتشار این پایان‌نامه‌های چنین دانشجویانی در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اسناد علمی، برداشت مخاطبان پژوهش‌های مددکاری اجتماعی را نسبت به سطح انتظار قابل قبول تنزل می‌دهد. پیامد این مسئله کاهش روی آوردن نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی به پژوهش‌های مددکاری اجتماعی است.

«الآن پایان‌نامه را هم خودتون میدونید اجرا نمی‌کنند و از میدان انقلاب می‌خرند».

فقدان رابطه سازمان‌یافته و پایدار در حوزه پژوهش‌ها و پژوهشگران مددکاری

اجتماعی

یکی از مسائل مهم در پژوهش ایجاد تعاملات و شبکه‌سازی است که منجر به هم‌افزایی و افزایش اثربخشی می‌شود. اینکه هر پژوهشگر به صورت فردی انتشارات خود را داشته باشد جزیره‌های دانشی منفصلی را ایجاد می‌کند. لذا در این زمینه می‌بایست مدیریت پژوهشی چه در سازمان‌های متولی و چه اساتید به گونه‌ای باشد که در حوزه‌های مختلف تیم‌های پژوهشی کارآمدی تشکیل شوند و تیم‌های مختلف نیز به منظور افزایش اثربخشی مکمل تلاش‌های یکدیگر باشند. در فضای فعلی پژوهشگران کمتر به مطالعه یا استفاده از پژوهش‌های سایر محققین مبادرت می‌ورزند.

«اوضاعی که الآن داریم آینه که پژوهش‌هایی که انجام میشه به هم ارتباط ندارد».

«من خودم به‌شخصه خیلی کم پیش اومه از حوزه‌ای که مددکاران اجتماعی در

داخل روش کار کردند بخوام رفرنس بدم».

تفاوت دیدگاه سیاست‌گذاران و پژوهشگران

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران دانشگاهی معتقدند مسائل اجتماعی توسط مجریان و مسئولین این حوزه به‌درستی درک نشده است و لذا در چنین شرایطی امکان

تعامل جامعه علمی و حوزه اجرایی وجود نداشته و بنابراین اثربخشی مورد انتظار به وقوع نخواهد پیوست.

« به نظر من مسائل اجتماعی توسط سیاست گذاران اصلاً درست دیده نمی شوند که بخواهند برای آن راهکار ارائه دهند.»

«نگاه معرفت شناختی درستی به جامعه هدف مددکاری اجتماعی وجود ندارد. مثلاً در

بحث زنان سرپرست خانوار سیاست گذاران آنچه را که فکر می کنند درست است یا رویکردی را که در کشورهای دیگر مشاهده نموده اند انجام می دهند. دستورالعمل هایی که شاید در سطح محدود بعضی از نیازهای مالی و کوچک مددجویان را برطرف کند، اما نیازهای کلان فرد شناسایی نشده باقی بماند.»

با این وجود خبرگان دانشگاهی مددکاری اجتماعی نیز شاید بتوانند با توجه به دانش حرفه ای خود در موقعیت هایی که امکان رایزنی و تعامل سازنده وجود دارد، زمینه اثربخشی پژوهش ها بر حوزه های اجرایی را فراهم کنند. عقیده تعدادی دیگر از کارشناسان، این خبرگان علمی هستند که باید زمینه ارتباط بهتر با مجریان را فراهم کنند.

«در کارهای اجرایی دانشگاهیان دارن یک جور فکر می کنند و آن ها دارن یک جور دیگه فکر می کنند و یک شکاف زیادی بین این ها هست و من مشکل را بیشتر در دانشگاه می بینم چون دانشگاهیان هستند که باید شیوه های گفتگو با کارفرمایان رو یاد بگیرند و این ضعف بزرگیه که دانشگاهیان روی اصول و باورهایی که دارند و آموزش دیدند خیلی خشک و انعطاف ناپذیر تأکید دارند.»

قالب ها و محدودیت های دانشگاهی

برخی قالب های از پیش تعیین شده و به عنوان عرف پذیرفته شده در پژوهش ها و پایان نامه های دانشگاهی موجب شده است تا امکان اجرایی کردن برخی موضوعات اثربخش در این قالب ها غیرممکن و یا دشوار باشد و لذا بین میادین پژوهشی و مسائل روز فاصله ایجاد شود.

«ایرادی که در پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌بینیم قالب‌هایی است که پژوهشگر باید از آن تبعیت کند. در صورتی که در مطالعه موردی ممکنه یک کیس (مورد) خاصی ببینی که به خودی خود می‌تواند یک پایان‌نامه باشد.»

ملاحظات غیر علمی

یکی از مشکلات جامعه نگاه سیاسی به امور اجتماعی است که موجب شده است به صورت علمی با مسائل اجتماعی برخورد نشود. حال آن‌که رفع مسائل و مشکلات اجتماعی به جز از طریق تحلیل‌های اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

«سایه سنگین عرصه سیاسی بر سر جامعه مدنی و از جمله کنشگران حوزه پژوهش موجب گردیده نظام منطقی برای ایجاد این سه ضلع فراهم نگردد (رابطه سه ضلعی قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی، واقعیت‌ها و مسائل جامعه و جهت‌گیری پژوهشی مددکاران اجتماعی).»

وجود برخی تابوهای فرهنگی نیز منجر به غفلت از برخی واقعیت‌های غیر قابل انکار می‌شود. مثالی که یکی از کارشناسان در این زمینه زده است ارائه می‌شود:

«مثلاً کار بر روی هم‌خانگی که تجربه دختران از رابطه جنسی است و نگاهشون به جنس مخالف چیست که شاید خیلی خوشایند کسانی که در سیاست‌گذاری هستند نباشه.»

موضوع دیگر غیر قابل نقد بودن برخی اصول و ساختارها است که منجر می‌شود نتایج اعلان شده توسط پژوهش با واقعیت تفاوت داشته باشد. اظهارات یکی از کارشناسان در این زمینه قابل تأمل است.

«من پژوهش‌هایی را سراغ دارم که انجام شده و به واسطه اون پژوهش یک ساختار زیر سؤال می‌رفته بعد اومدن در فصل پنجم یا در بحث و نتیجه‌گیری این‌طور بگم در بحث و نتیجه‌گیری مبتنی بر یافته‌ها نبوده، مبتنی بر خواسته‌های سفارش‌دهنده بوده.»

راهکارهای ارتقاء اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی

نظام مددکاری اجتماعی

نظام مددکاری اجتماعی سال‌هاست نتوانسته است در مجلس شورای اسلامی تصویب شود. یکی از ملاحظات مرکز مطالعات مجلس شورای اسلامی برای عدم تأیید طرح نظام مذکور این است که طرح و اساس‌نامه ارائه شده مبین این مطلب است که نظام قرار است مدافع حقوق مددکاران اجتماعی باشد و نه گروه‌های آسیب‌پذیر لذا از آنجایی که اساس‌نامه از نظام‌های پزشکی و پرستاری الگوبرداری شده است، مانند نظام‌های فوق ممکن است حتی موجب برخی بی‌عدالتی‌ها در راستای منافع حرفه شود چرا که بودجه نظام هم از حق عضویت و سایر درآمدهای به‌دست آمده از مددکاران اجتماعی تأمین می‌شود و به‌نوعی نظام وام‌دار ایشان خواهد بود. حال آن‌که نظام مددکاری اجتماعی نقش نظارتی قوی را در راستای منافع گروه‌های هدف خواهد داشت و در صورت تأسیس آن، ضمن این که بر فعالیت مددکاران اجتماعی نظارت تخصصی خواهد شد، از اینکه فارغ‌التحصیلان سایر رشته صرفاً تحت عنوان مددکار اجتماعی مداخلات نامناسبی را اجرا نمایند نیز جلوگیری خواهد شد. اکثر مصاحبه‌شوندگان نظام مددکاری اجتماعی را تسهیل‌کننده پژوهش‌ها دانسته‌اند. اظهارات یکی از کارشناسان در ادامه ارائه شده است.

«اگر می‌خواهیم مقایسه کنیم با سایر رشته‌ها باید سایر فاکتورها را در نظر بگیریم. ما هنوز نتوانستیم در چارچوب ساختارها یک نظام داشته باشیم. از آنجایی که بخشی از فعالیت مددکاری در عمل است و بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها نیز از حوزه مداخلاتی که مددکاران اجتماعی انجام می‌دهند به دست می‌آید، دائماً باید از سازمان‌های دولتی مجوز بگیریم. اما اگر نظامی داشته باشیم، مستقلاً بخشی از کارها می‌تواند تسهیل شود.»

تغییر سازوکار ارزشیابی و ارتقاء اعضای هیئت علمی

سیاست‌های کمی‌گرایانه نظام آموزش عالی در دو دهه اخیر موجب شده است تعداد اسناد علمی یک پژوهشگر بیش از هر چیز از جمله کیفیت و اثربخشی آن موجب ارتقاء شده و زمینه پیشرفت‌های بعدی را فراهم کند.

«ما در این موضوع ضعیف هستیم. چرا که ما بیشتر به دنبال مقاله دادن و به دنبال نشر نتایج پژوهش‌های دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که متولی و ذینفع هستند، هستیم.»

با وجود پیشرفت علمی دانشگاهیان، اثربخشی مورد انتظار به دست نیامده است. چرا که اثرگذاری یک پژوهش در جامعه در معیارهای ارزیابی پژوهشگران در نظام آموزش عالی اهمیت پایین‌تری نسبت به انتشار تعداد بیشتر اسناد علمی از جمله کتب و مقالات دارد. دو مورد از نظرات کارشناسان نشان از تأثیر این سیاست‌های کمی‌نگر دارد.

«پژوهش‌ها به سمت وسوی خوبی حرکت کرده است. از لحاظ متدولوژی، از لحاظ انتخاب موضوع و به لحاظ نتایج به دست آمده اما این نتایج صرفاً خودش را در قالب مقالات نشان داده است.»

«برحسب بازخوردهایی که داریم می‌بینیم که مددکاری هم در کنار رشته‌های دیگر مقالاتش بیشتر به درد رزومه افراد می‌خورد تا کار عملیاتی و اجرایی که بتواند دردی از دردها و مشکلات جامعه را باز کند.»

ضروری است که معیارهایی مانند اثرگذاری مثبت تحقیق در جامعه نیز زمینه‌ساز ارتقاء پژوهشگران شود.

ترجمان دانش

«نکته بسیار مهم این است که در اغلب موارد ترجمان دانش در مورد پژوهش‌های مددکاری اجتماعی صورت نمی‌گیرد. معمولاً پژوهشگر به انتشار مقاله اکتفا می‌کند و از روش‌های دیگر برای انتشار یافته‌ها و درگیر کردن تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران بهره گرفته نمی‌شود. این اشکال البته تا اندازه زیادی به عدم ارتباط دانشگاه (به‌عنوان مرجع اصلی تولیدکننده دانش در ایران) و سازمان‌های استفاده‌کننده از دانش مربوط است. البته اخیراً دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت بهداشت موظف شده‌اند در تمامی پژوهش‌ها موضوع ترجمان دانش را به‌عنوان بخش مهمی از پروپوزال در نظر بگیرند و به این ترتیب پژوهشگر بر اساس پروپوزال موظف خواهد بود یافته‌های خود را به روش‌های مختلف به

بهره‌برداران ارائه نماید. به نظر می‌رسد این روش می‌تواند در تقویت ارتباط دانشگاه و سازمان‌های بهره‌بردار مؤثر باشد».

افزایش ارتباط مراکز علمی و سازمان‌های قانون‌گذار و متولی

افزایش ارتباط میان سازمان‌های علمی و اجرایی از طرق مختلف موجب می‌شود برخی آسیب‌هایی که در بخش قبل به آن پرداخته شد کاهش یابد. مشکلاتی مانند بی‌اعتمادی، فاصله داشتن دیدگاه‌ها، محافظه‌کاری مدیران، کمبود افراد متخصص در سمت‌های اجرایی می‌تواند با نزدیک‌تر شدن ارتباط که جزئیات آن از طریق توافقنامه‌های تعریف می‌شود کاهش یابد. نظر یکی دیگر از کارشناسان در مورد راهکار افزایش این ارتباط در ادامه ملاحظه می‌شود:

«الآن تحقیقاتی را که بچه‌های مددکاری انجام می‌دهند می‌دانیم که برای چه سازمانی خوب است و می‌توانیم دانشجو و محققى که کار را انجام داده موظف کنیم برای سازمان مربوطه یک‌ساعته ارائه داشته باشد و سازمان نیز بنشیند و گوش بدهد».

آموزش اقدام پژوهی

یکی از نقش‌های مهم مددکاری اجتماعی، نقش پژوهش‌گر است. به این معنی که مددکار اجتماعی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه نیز می‌بایست به‌عنوان یک پژوهش‌گر همواره مداخلات خود را ارزیابی و بازطراحی کند و پس از هر مداخله انجام‌شده در هر یک از سطوح، به دانش خود بیفزاید. همچنین به‌عنوان یک پژوهشگر، نتایج مداخلات دیگران را مطالعه کند تا مداخلات خود را مبتنی بر شواهد^۱ علمی و بر اساس بهترین عملکردهای^۲ اجراشده در همان حوزه اجرا نماید. اقدام پژوهی موجب می‌شود پژوهش‌های مددکاری اجتماعی به بیرون از دانشگاه نیز تسری پیدا کند و پژوهش‌هایی

1. Evidence based
2. Best practices

راهکارهای ارتقاء و بهینه‌سازی پژوهش‌های...، زاهدی اصل و همکاران | ۲۰۳

برگرفته از متخصصان عملی و نظری شکل گیرند که کاملاً با واقعیات جامعه منطبق هستند. چنین پژوهش‌هایی ضمن قابل‌استفاده بودن به‌عنوان تجربیات موفق در مداخلات مبتنی بر شواهد، بر منجر به غنی‌تر شدن آموزش‌های دانشگاهی نیز می‌شود.

«در رشته مددکاری چون ما خیلی تجربیات خوبی داریم در فیلدها که این‌ها مستند نمیشن و نمی‌مونن و با رفتن اون آدم‌ها از بین میرن و فراموش میشن و خیلی کیس‌های خوبی داریم که استفاده کنیم برای آموزش هامون ولی اتفاق نمی‌افته».

ترویج پژوهش‌های تیمی

فعالیت‌های گروهی در مددکاری اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. توجه به گروه‌ها به‌عنوان سطحی از مداخلات، گروه‌درمانی، مصاحبه‌های گروهی و همکاری و انسجام در تیم‌های متشکل از تخصص‌های مختلف از جمله مصداق‌های توجه به گروه و تیم در مددکاری اجتماعی است. لذا این ضرورت و امکان وجود دارد که پژوهش‌های تیمی نیز گسترش یابند تا نتایج، مداخلات و پیشنهادهایی برگرفته از تلاش و خرد جمعی پژوهشگران تهیه و ارائه شود.

«۴ تا ۵ دانشجوی می‌توانند درگیر یک موضوع بشوند و هر کدام یک گوشه‌ای از کار را بگیرند ولی بچه‌های ما این خطا را می‌کنند و فکر می‌کنند که این یک موضوعه و ما نباید ۶ نفر آدم معطل این بشیم و ما باید بریم هر کدوممون سراغ یک چیزی».

بسترسازی نقد علمی

باوجود آن‌که لازم‌ه یادگیری وجود تفکر نقدی است رویکرد موجود در دانشگاه‌ها بیشتر به سمت نقل میل کرده است. در واقع این باور که نقد به معنای بی‌احترامی به‌گوینده نیست هنوز شکل نگرفته است. حال آنکه نقد باعث توسعه حرفه می‌شود و نبود آن موجب پس‌رفت یا درجا‌زدن خواهد شد.

«وقتی ما پژوهش‌ها را قائم به فرد می‌بینیم آنجا خیلی جرات و جسارت نقد کردن پژوهش‌هایی که فلانی انجام داده است چون فلانی انجام داده است را نداریم». حال آن که ذاتاً یک امر شخصی نیست و به دنبال حقیقت پژوهی است و یکی از قوی‌ترین راه‌های اعتلای آگاهی علمی است. نظر یکی از کارشناسان درباره فواید نقد در فضای آکادمیک قابل تأمل است:

«نقد اندیشه در جامعه‌های با آزادی بیان سبب رشد و دگرگونی‌های مثبت و نو شدن در جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و عمل نقد سازنده در دانشگاه موجب رشد و برخورد اندیشه‌ها و پدید آمدن سنتزی جدید در ایده پردازی می‌شود طی سال‌های گذشته مشاهده نقد پژوهش‌های انجام‌شده در دانشکده علوم اجتماعی علامه بوده و خود نیز مشارکت داشته است. نتیجه این که برخلاف اندیشه نقلی و نقل مطالب که به تکراری خسته‌کننده می‌انجامد، عمل نقد سبب رشد علمی می‌شود».

«نقد علمی در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی باید نظام‌مند، دارای الگوی مشخص، جامع‌نگر، مبتنی بر نگاه انتقادی، دارای مبنای فلسفی، متمرکز بر چارچوب‌های تخصصی مددکاری اجتماعی، خلاقانه و مبتنی بر اخلاق باشد. فکر می‌کنم با این تصویر از نقد علمی فاصله زیادی داریم. معمولاً یک یا بیش از یکی از این پایه‌ها در نقدهایی که در پژوهش‌های مددکاری اجتماعی انجام می‌شود، نادیده گرفته می‌شوند. از نظر من پژوهشگران مددکاری اجتماعی به آموزش در این حوزه نیاز دارند» (کارشناس ن).

«در تفکر نقدی چیزی بدیهی شمرده نشده و موضوعات مختلف به محک عقل و تجربه گذاشته می‌شود. این رویکرد موجب شکوفایی و اعتلای جمعه علمی و تأثیرات مثبت در جامعه می‌شود. ایجاد زیرساخت‌هایی که در آن زمینه ایجاد نقد و نقدپذیری فراهم شود می‌تواند زمینه ترویج آن در سایر عرصه‌ها را فراهم کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان ایجاد بستر نقد را از طریق زیر پیشنهاد کرده است».

«باید جایی مثل دانشگاه یا شبکه‌ای وجود داشته باشد که هر هفته یا هر دو سه روز یک‌بار که هر کسی که کاری را انتخاب کرده بیاید آنجا کارش را عرصه کند بااطلاع

رسانی قبلی و افراد صاحب‌نظر و دارای تخصص بتوانند کارش را نقد کنند مانند بستری که در زمان انتخابات فراهم شد».

برنامه‌ریزی پژوهشی

مدیریت پژوهشی و تدوین برنامه‌هایی در سطوح راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی در حوزه‌های مختلف به‌خصوص در راستای منافع اقشار و گروه‌های هدف در حوزه‌های مختلف پژوهشی ضروری است. این نوع برنامه‌ریزی مشارکتی خود از طریق پژوهش انجام می‌شود. یکی دیگر از کارشناسان نقش مراکز علمی در تدوین برنامه پژوهشی را به شرح ذیل بیان کرده است.

«با توجه به اینکه جریان پژوهشی در این حرفه به هم متصل نیست نمی‌توان امید داشت که نیازهای گروه‌های پیش‌گفته را مرتفع کرده باشد. و این حوزه نیاز به برنامه‌ریزی جدی دارد. نقش دانشکده‌های مددکاری اجتماعی دانشگاه‌های مرجع همچنین انجمن علمی مددکاری اجتماعی در این خصوص بی‌بدیل خواهد بود».

با وجود برنامه‌ریزی پژوهشی می‌توان به ایجاد همکاری‌ها و شبکه‌های پژوهشگر، تحقیقات بین‌رشته‌ای، آینده‌پژوهی، خلاقیت و اثربخشی بیشتر پژوهش‌ها امید داشت. تعدادی از کارشناسان پژوهش بدون برنامه‌ریزی را بی‌فایده و حتی مشکل‌زا توصیف کرده‌اند که یک نقل‌قول در ادامه آورده شده است.

«تا راه‌حل‌های برنامه‌ریزی شده نداشته باشیم هر حرکتی کنیم ممکن است این حرکات ما را به بیراهه ببرد».

البته باید توجه داشت که برنامه‌ریزی علمی به معنای محدود کردن و حذف خلاقیت پژوهشی نیست. بلکه ایجاد نوعی یکپارچگی جهت هم‌افزایی و شکل‌گیری روندهای روبه‌رشد است. یکی از کارشناسان وجود توأمان وحدت و تکثر در برنامه‌ریزی پژوهشی را این‌گونه بیان کرده است:

«توجه به وحدت یا همان اتصال جریان پژوهشی به هم و تکثر که رویدن برنامه‌های پژوهشی مختلف از دل علائق و منافع متکثر اعضای جامعه مددکاری اجتماعی است می‌تواند کمک کند».

بحث و نتیجه‌گیری

مددکاری اجتماعی و مدیریت خدمات اجتماعی به‌عنوان حرفه‌هایی عمل‌گرا و منحصربه‌فرد که جایگاه مهمی در حوزه نظر و عمل دارند نزدیکی با اقشار مختلف جامعه داشته و از نیازها و مشکلات آن‌ها شناخت جامعی دارند می‌بایست نقش پررنگی در طراحی و اجرای سیاست‌ها ایفا نمایند. به‌خصوص اینکه در سال‌های اخیر دروس مدیریت، سیاست‌گذاری و حقوق نیز در گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی ارائه می‌شود. با وجود این ظرفیت، نتایج به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که باوجود برخی مصادیق اثربخشی معرفی شده مانند خانه‌های امن، تدوین دستورالعمل‌های سازمان بهزیستی و غیره، میزان این تأثیرات با وضع مطلوب فاصله زیادی دارد. ضمن اینکه مصداق‌های معدود موجود نیز نشان از توفیق به‌کارگیری نتایج پژوهش‌های مددکاری اجتماعی در عمل بوده است. ازاین‌رو در گام بعدی پژوهش این اثرگذاری کم، سبب‌شناسی شد. نتایج این مرحله از پژوهش نشان داد که برخی موانع متوجه نظام حکمرانی در مؤلفه‌های مختلفی چون آموزش عالی و سیاست‌گذاری اجتماعی است.

توسعه کم‌گروه‌های تخصصی مددکاری اجتماعی و فقدان استخدام اساتید جدید و توانا که با پذیرش بالای دانشجو تناسب ندارد، برخی محدودیت‌ها و قالب‌های آموزشی و پایان‌نامه‌ها و کمی‌نگری در سازوکارهای ارتقاء اعضای هیئت‌علمی را می‌توان به مؤلفه نظام آموزش عالی مرتبط دانست و مواردی چون محافظه‌کاری مدیران که متأثر از تأثیر بالای ملاحظات سیاسی و غیره در برخورد با مسائل اجتماعی است، در کنار نقدپذیر نبودن و بی‌اعتمادی حاکمیت به پژوهش‌های بومی و به‌کارگیری افراد غیر، به‌عنوان مددکار اجتماعی که موجب کژکارکردی در اجرای دستورالعمل‌های علمی شده، از مواردی

هستند که می‌توان به بخش‌های قانون‌گذار و اجرایی مرتبط دانست. از طرف دیگر ایراداتی نیز متوجه پژوهش‌ها و پژوهش‌گران است. از این موارد می‌توان به عدم توجه پژوهش‌ها به خودِ حرفه مددکاری اجتماعی، کلی‌گویی بسیاری از پژوهش‌ها و فقدان شبکه‌سازی و ایجاد گروه‌های پژوهشی کارآمد اشاره کرد. ویژگی‌های ماهوی علوم اجتماعی و دشواری ارزیابی اثربخشی مداخلات و سیاست‌های اجتماعی نیز تأثیر مهمی در کمبود اقبال حاکمیت به استفاده از نتایج پژوهشی داشته است.

در این پژوهش راهکارهایی که می‌توانند منجر به افزایش اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی شوند استخراج شد. تأسیس نظام مددکاری اجتماعی به‌عنوان نهادی که می‌تواند در راستای احقاق حقوق جامعه هدف، شایسته‌سالاری در مددکاری اجتماعی و افزایش اختیارات و رفع موانع پژوهشگران و مددکاران اجتماعی متخصص عمل کند ضروری می‌باشد. همچنین ارتباط دانشگاه و سازمان‌های متولی باید تقویت شود این امر می‌تواند از طریق راهکارهایی مانند ترجمان دانش، تصدی مسئولیت‌های مرتبط توسط متخصصان و انعقاد توافق‌نامه‌های الزام‌آور میان سازمان‌ها و مراکز علمی انجام پذیرد. همچنین ضروری است تغییراتی در نظام آموزشی صورت بگیرد. تا زمانی که مهم‌ترین معیار ارزشیابی اعضای هیئت‌علمی برای ارتقاء یا رسمی شدن قرارداد، تعداد اسناد علمی باشد نمی‌توان انتظار داشت که اساتید زمان زیادی را صرف مسئله‌یابی، اجرا و ارزیابی مداخلات کاربردی نمایند. همچنین پژوهش‌های جزیره‌ای و بدون برنامه‌ریزی بلندمدت نمی‌تواند روند مثبتی را در تولید علم مؤثر ایجاد نماید.

بنابراین همان‌گونه که سیاست‌گذاری اجتماعی اهمیت دارد، سیاست‌گذاری دانشی نیز در مددکاری اجتماعی ضروری است تا ضمن رویش گروه‌ها و برنامه‌های پژوهشی متکثر، انسجام و حرکت روبه‌جلو نیز ایجاد شود. آموزش و ترویج اقدام پژوهی نیز به بسط نقش پژوهشگری مددکاران اجتماعی در عمل کمک خواهد کرد و بسیاری از تجربیات ارزشمند ایشان نیز در مخزن علمی حرفه ثبت خواهد شد تا مورد استفاده مجریان و پژوهشگران قرار گیرد. مسئله مهم دیگر نقد منصفانه است. دانشگاه محل ترویج تفکر نقدی

و فاصله گرفتن از افراط در نقل است. اما شاهد هستیم که مراکز علمی به محلی برای نقل تبدیل شده‌اند و نقد علمی که در آموزش و پژوهش ضروری است به حاشیه رانده شده است. حال آن‌که در سایه نقد است که می‌توان یک مقوله را به‌طور کامل فراگرفت و یا آن را اصلاح نمود. لذا ایجاد بسترهای نقد علمی که در آن نقد و تخریب از هم تمیز داده شوند منجر به ارتقاء کیفی تولیدات علمی شده و فرهنگ نقادی و نقدپذیری را به بخش‌های مختلف جامعه تسری خواهد داد.

تاکنون به دلایل شرح داده‌شده پژوهش‌های مددکاری اجتماعی آن‌طور که باید به‌طور مستقیم در تدوین قوانین و دستورالعمل‌ها تأثیرگذار نبوده‌اند، باین‌وجود انتشار آن‌ها توانسته است از طریق گفتمان‌سازی و افزایش آگاهی، تأثیرات خود را چه بر سیاست‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها و چه استفاده از نتایج آن‌ها توسط مددکاران اجتماعی در عمل، بر منافع گروه‌های مختلف تأثیرگذار باشد. این اثربخشی می‌تواند از طریق اقدامات ارائه شده توسط این پژوهش افزایش یابد.

در بخش پایانی تحقیق، آسیب‌ها و راهکارهای مربوط به اثربخشی پژوهش‌های مددکاری اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفت که بر طبق آن‌ها پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ترویج تفکر نقدی و ایجاد بستر و زیرساخت نقد علمی و منصفانه
- حمایت از مددکاران اجتماعی برای پژوهش در عرصه‌های نوظهور و افزایش اختیار و آزادی ایشان در جمع‌آوری اطلاعات و بیان نظرات و نتایج پژوهش‌ها
- افزایش توجه و اهمیت به "مسئله‌یابی" چه در آموزش دروس روش تحقیق و چه تلفیق آن در آموزش سایر دروس به‌عنوان امری مهم در فراگیری آموزش‌ها و انسجام پژوهش‌ها.
- افزایش بیش‌ازپیش آموزش‌های عملی در سازمان‌های آموزشی مددکاری اجتماعی که می‌تواند از طریق تأسیس مراکز ارائه خدمات اجتماعی در دل این سازمان‌ها و

راهکارهای ارتقاء و بهینه‌سازی پژوهش‌های...، زاهدی اصل و همکاران | ۲۰۹

یا همکاری بیشتر با کلینیک‌های مددکاری اجتماعی، بیمارستان‌ها و سایر سازمان‌های خدمات اجتماعی انجام شود.

- ایجاد تغییرات اساسی در تدوین پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های مددکاری اجتماعی شامل قالب‌زدایی، توسعه تحقیقات تیمی، اهمیت دادن به مسئله یابی و ترویج اقدام پژوهی و نقش‌آفرینی بیشتر مددکاران اجتماعی حاضر در مقام عمل در طراحی و اجرای پژوهش‌ها.

- برنامه‌ریزی پژوهشی و تدوین نقشه راه تحقیقات مراکز علمی با توجه به نیازهای جامعه و سازمان‌ها توجه به اصل آزادی انتخاب موضوع توسط پژوهشگران.

- افزایش ارتباط و مفاهمه مراکز علمی و اجرایی از طریق ایجاد بستر توسعه همکاری‌های فی‌مابین ترجمان دانش و کاهش کلی‌گویی پژوهش‌ها.

- تأسیس نظام مددکاری اجتماعی جهت نظارت و اطمینان از انجام فعالیت‌های اجرایی مددکاران اجتماعی طبق رویکردهای علمی و اسناد قانونی و همچنین یکپارچگی و تبادلات بیشتر بین مددکاران اجتماعی حاضر در مقام عمل و پژوهشگران حاضر در مراکز علمی

- ایجاد برخی اصلاحات در گزینش و ارتقاء اعضای هیئت علمی با تأکید بیشتر بر ایفای نقش در تغییرات مثبت در راستای نیازهای جوامع هدف مددکاری اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابادری، یوسف. (۱۳۸۹)، خرد جامعه‌شناسی، تهران: نشر طرح نو.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۹۹)، هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله یابی تا نگارش، تهران: نشر آگاه.
- کامپتون، بیولا رابرتز و بارت گالوی. (۱۳۸۲)، فرایندهای مددکاری اجتماعی، ترجمه: سید جلال صدر السادات و فرهاد کریمی، جلد اول، تهران: سمت.
- میره بیگی، وحید. (۱۳۹۵)، مسئله یابی در تحقیق؛ محدودیت‌ها و راهکارها؛ با تمرکز بر پایان‌نامه‌نویسی و نظریه‌پردازی بومی در جامعه‌شناسی ایران، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال پنجم، شماره بیستم.
- میلز، چارلز رایت. (۱۳۹۱)، بینش جامعه‌شناختی: تقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- Dillon, J. T. (1982). problem finding and solving, *journal of creativity behavior*. v16 n2 p97-111.
- Wuenschel, P. (2006). The diminishing role of social work administrators in social service agencies: Issues for. *Administration in Social Work*, 5-18.
- Yang, L. (2018). Public administration as a Dynamic Balance and Integrative Science Across Politics, Management and Law: Chinese Experiences. *The American Review of Public Administration*.